

استاندارد دوگانه طراحان استیضاح



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

این روزها یکی از داغ‌ترین مباحث مطرح میان لایه‌های مختلف و متکثر مردم و دغدغه‌مندی اصلی در سطح افکار عمومی، مقوله «سقوط ارزش پول ملی» و تأثیر و تبعات آن بر اقتصاد و معیشت است. در سوی مقابل، داغ‌ترین مبحث مورد مناقشه در محافل سیاسی و رسانه‌ای ماجرای طرح استیضاح دکتر عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد دولت چهاردهم است. در نگاه اول و به‌هنگام گرت‌برداری مختصر پیرامون این دو مبحث، ارتباط وثیق و همپوشانی عمیقی دیده می‌شود؛ اما اندکی که به‌موضوع و فرآیندهای طی شده، دقیق شویم و تحرکات سیاسی را زیر ذره‌بین ببریم، ماجرا ابعاد دیگری پیدا می‌کند. برای تشخیص مضرات و آسیب‌های اقتصادی «سقوط ارزش پول ملی» به شکل افسارگسیخته و غیرتاکتیکی (مدلی که مثلاً چینی‌ها برای ایجاد ارزش صادراتی در برهه‌هایی اجرا کردند) نیاز نیست که دستی بر آتش علم اقتصاد داشته باشیم، واقعیت تلخ و دهشتناکی است که هیچ جای دفاع و مسامحه نیز ندارد و همگان در صنف و اقشار مختلف تکانه و تبعات آن را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند، اما پرسش‌های کلیدی و راهبردی در شرایط فعلی آن است که اول، آیا وزیر اقتصاد فعال مایشا، و بازنگر کانونی این وضعیت است؟ دوم، آیا شخص همتی در طول شش ماه زمامداری خود بر وزارت اقتصاد، سبب‌ساز این شرایط بوده است؟ و در نهایت، آیا با استیضاح و برکناری همتی مشکل بازار ارز و سکه و طلا، حل و فصل خواهد شد؟

پاسخ به این سوالات را بهتر است از زبان یکی از طراحان اصلی طرح استیضاح همتی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی و سخن و سرائی مجلس در خط مقدم این ماجرا نقش آفرینی می‌کند، به‌سنتجیم و به تحلیل بنشینیم تا موضوعیت رویکرد «استاندارد دوگانه» در فرآیند طرح استیضاح، مشخص و مبرهن و آشکار شود.

۲۷ اردیبهشت‌ماه سال جاری، سه روز قبل از سقوط بالگرد رئیس دولت سیزدهم، شماری از نمایندگان منتخب مجلس جلسه مفصل و مشروح پنج‌ساعته‌ای با رئیس کل بانک مرکزی، برگزار کردند. در روایت امیرحسین ثابتی از این جلسه در کانال شخصی وی در اینستا آمده است: «نمایندگان نکات خود را مطرح کردند و من هم گفتم که هم شما را دعا می‌کنم و هم دلم برایتان می‌سوزد، چون اگر هیچ کس کارش را درست انجام ندهد ولی بانک مرکزی بتواند قیمت ارز را کنترل کند، مردم تا حد زیادی احساس رضایت دارند و برعکس، اگر همه کارشان را درست انجام دهند و فقط بانک مرکزی نتواند قیمت ارز را کنترل کند، مردم حس نارضایتی‌شان لوچ می‌گیرد چون مسئله دلار، اولین چیزی



ادامه سر مقاله

هدف از قانونگذاری چیست؟ و یک قانون خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ اگر قانونگذاری مطابق با این ویژگی‌ها نباشد، آن را نمی‌توان مصداق قانون دانست؛ بلکه نوعی اقدام برای حفظ منافع و جایگاه گروهی محدود با استفاده از ابزاری است که برای خیر عمومی کاربرد دارد. قانون خوب و کاربردی، قانونی است که عادلانه و شفاف و قابل فهم و مورد پذیرش همگانی باشد. کسدار نبوده تا موجب سوءبرداشت و استفاده نادرست نشود. قابلیت اجرایی داشته باشد. از ذهنیت‌های متصلب تاروش نکند و با هدف انطباق‌پذیری با جامعه و خواست عمومی تدوین شود. با ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه تطابق داشته باشد. میان حقوقی فردی و جمعی موازنه برقرار کند. حقوق فردی را قربانی حقوق اجتماعی نکند و برعکس. بر موازین عقلانی و منطقی استوار باشد. نظم و امنیت را ذیل همین قواعد پیش‌گفته حفظ و تضمین کند. زمینه را برای پیشرفت و توسعه فراهم کند. اگر قانون برای اداره عمومی و خیر جامعه است؛ در این صورت، باید با مشارکت و نظرخواهی از جامعه تدوین شود.

مصوبه‌هایی مثل پوشش زنان نشان داد که اولین و بدیهی‌ترین شرط یک قانون را که قابلیت اجرایی شدن باشد، نداشته است. با توقف اجرایی آن، برخی نمایندگان معترض شدند که مجلس را تعطیل کنید؛ اگر قرار است مصوبات آن اجرا نشود. درحالی که ماجرا برعکس بود. باید دیگران مدعی تعطیلی مجلس می‌شدند؛ چراکه مصوباتش غیرقابل اجراست. مجلسی

است که اکثر مردم آن را نماد کارآمدی دولت می‌دانند. در ادامه تأکید کردم که با توجه به بدیهی‌های زیادبانک‌ها و سایر دستگاه‌ها به بانک مرکزی، مدیریت این نهاد کار سختی است. اما آمادگی داریم در مجلس کمک کنیم تا دولت بتواند با قدرت لازم قیمت ارز را کنترل کند.» این جلسه غیررسمی پیش از آغاز به کار مجلس دوازدهم و پس از آنکه دلار در آن برهه زمانی، بعد از عملیات وعده‌صادق، قله‌زنی بی‌سابقه ۶۳ هزار تومانی را تجربه کرده بود، برگزار شد. به‌وضوح مشخص است که این نماینده جوان و پرشروشور مجلس که این روزها همتی را به‌واسطه افزایش قیمت ارز، مقصر می‌داند، در آن دولت و برهه زمانی به‌درستی مسئول وقوع تکانه و تلاطم در بازار ارز را نه وزیر اقتصاد که شخص رئیس کل بانک مرکزی می‌دانست.

کمی جلوتر بیاییم و به جلسه غیرعلنی چند روز پیش نمایندگان مجلس با حضور همتی برای بررسی وضعیت کنونی نگاه‌ی بیندازیم. امیرحسین ثابتی در صوتی که از آن جلسه غیرعلنی از اظهارات خود، انتشار داده است (فارغ از اینکه افشای اطلاعات جلسه غیرعلنی محمل و منع قانونی دارد یا ندارد)؛ بر این نکته تأکید می‌کند که برای این وضعیت ما باید مسئولی را مؤاخذه کنیم و چون دستمان به آقای فرزین نمی‌رسد، آقای همتی را استیضاح می‌کنیم (نقل به‌مضمون).

این درست است که نمایندگان اهرم استیضاح رئیس کل بانک مرکزی را در دسترس ندارند؛ اما سوال اینجاست که چرا در گذشته بابت قیمت دلار، معترض وزیر اقتصاد وقت نشدند؟ در ثانی، آیا عقلانی و درست است که یک وزیر را آن‌هم در شرایط فعلی بابت عملکردهایی که او تأثیر مستقیم بر آن ندارد، به جای مسئول دیگر حکم اشد مجازات دهیم (بار حقوقی استیضاح)؟ البته که بانک مرکزی به دلایل مختلف که از حوصله این مقال خارج است، باید از دولت استقلال داشته باشد، ولی در ساختار موجود مسئول اصلی و بالادستی رئیس کل بانک مرکزی نه وزیر اقتصاد که رئیس جمهوری است و اگر نمایندگان به‌درستی و برای عدم تشنج بیشتر در وضعیت بازار، کار را به سوال و بازخواست رئیس جمهوری نمی‌کشاند، چرا همین کار را در قبال وزیر اقتصاد انجام می‌دهند؟

تا اینجا به دو سوال از سوالات مطرح‌شده از زبان یکی از طراحان اصلی استیضاح و نماد رسانه‌ای این جریان پاسخ دادیم و استانداردهای دوگانه و خلط‌مباحث سیاسی و تنسویه حساب‌های طیفی را با مقوله طرح استیضاح مشخص کردیم. می‌ماند پاسخ سوال سوم که آیا استیضاح همتی کمکی به حل مشکل و برطرف کردن این وضعیت می‌کند؟

ناگفته پیداست که وضعیت امروز بازار ارز و این افزایش قیمت افسارگسیخته به ده‌ها متغیر و مولفه، عوامل و فرآیندهای چنددهه‌ساله در سپهر و رسته‌های مختلف و متکثر سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و حتی فرهنگی و اجتماعی بازمی‌گردد و تقلیل و تخفیف آن به یک شخص، یک وزیر و وزارتخانه و برآمده از یک دوره پندماهه، در خوشبینانه‌ترین وضعیت ساده‌انگاری محض است و طبیعی است که با حذف آن فرد، تنها پاک کردن صورت مسئله است که طی آن، اغراض و اهداف دیگری محقق خواهد شد؛ اما دردی از بازار ارز و زندگی و معیشت مردم با چنین نسخه‌پیچی‌هایی دوا نخواهد شد. فارغ از ماجرای طرح استیضاح و سرنوشت آن، این نوع نگاه ساده‌انگارانه به مسائل پیچیده و چندوجهی که یا مبتنی بر عوام‌گرایی و ظاهر‌بینی است یا ملهم از تنسویه حساب‌های سیاسی یا اشتباه محاسباتی و ساده‌انگاری، هیچ‌نسبتی با مدل حکمرانی مطلوب برای مدیریت شرایط فعلی و حل مسائل عدیده و مشکلات حاد پیش روی کشور ندارد و نمی‌تواند بیرون‌رفت مقرون باصحت برای ملک و ملت رقم بزند؛ فارغ از اینکه فالانی وزیر باشد یا نباشد و بهمانی رئیس باشد و نباشد.

که مصوبه‌هایش هیچ‌کدام با اغلب ویژگی‌های پیش‌گفته را ندارد، قادر به قانون‌نویسی که مطابق نیازهای جامعه باشد، نیست. نمونه مهم دیگر آن همان قانونی است که الان به‌صورت نیم‌بند اجرا می‌شود؛ یعنی «قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس». قانونی که بسیار کسدار است و اغلب مشاغل مدیریتی و زیرمجموعه‌های آن را در بر می‌گیرد و دولت را در استفاده از نیروهای خوب محروم کرده و اتفاقاً هم برای همه افراد اجرا نمی‌شود؛ و جالب‌تر این است، برای کسی هم که می‌خواهند اجرا کنند، نمی‌توانند. قانونی که ناشی از ترس است. نیروی دارای اعتماد به نفس از داشتن مدیران دوتابعیتی نمی‌ترسد. مگر خیانت کردن ربطی به این مسئله دارد. این نوع تابعیت داشتن برای جامعه‌ای که تحت تحریم است، اتفاقاً می‌تواند نقطه‌قوت باشد و به کشور خدمت کند. این به معنای آن نیست که هر کس تابعیت دومی هم داشت، خوب است؛ بلکه به معنای آن است که لزوماً منفی هم نیست. تابعیت‌های دوم اغلب ناشی از وضعیت خاص است و نه پشت کردن به کشور. چنین مصوباتی ناشی از ترس است و نه اقتدار. دولت باید درباره اصلاح قوانینی که ویژگی یک قانون خوب و کارآمد را ندارند، رازبازی کند و مثل مصوبه پوشش درخواست رفع مانع را بدهد. برای این کار باید اعتماد به نفس پیدا کرد. بخش مهمی از افول کیفیت و کارایی دولت متأثر از همین مصوبات و رویکرد نادرستی است که در پشت آن قرار دارد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



عکس: چهاران

سیدمحمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات در دیدار اعضای حزب مجمع ایثارگران:

مقصر این وضعیت پزشک‌یان نیست

است حتی حاضر است مذاکره و تعامل کند. اصلاً مذاکره و تعامل به معنای تسلیم شدن در برابر باج‌خواهی و زورگیری دشمن نیست. بلکه برای جلب امکانات برای پیشرفت کشور است و آنچه مصلحت ملی و خیر عمومی در آن است باید تأمین شود. خوب، آیا ما در رویکردهایمان همیشه درست عمل کرده‌ایم؟ یعنی بر اساس آنچه مصلحت ملی و نیاز ایران بوده است سیاست‌گذاری کرده‌ایم یا نه مصالح ملی مورد توجه نبوده است؟ باید میان آرزوها (و به‌خصوص آرزوهای غیرقابل تحقق) با آرمان‌خواهی فرق گذاشت. یعنی آرمان‌خواهی نه‌تنها مخالف واقع‌بینی نیست بلکه باید واقعیت‌ها را دید و با وجود واقعیت‌ها آرمان‌ها قابل دسترسی باشد. باید برنامه‌ریزی کرد برای اینکه به آرمان‌ها رسید. آرمان‌ها شعار نیست، و برخی شعارها هم شعارهای موجه و منطقی اصلاً نیست. یعنی چیزهایی گفته می‌شود که قابل دسترسی نیست، همه سرمایه‌ها را در آن مسیر خرج کردن و طبعاً نتیجه معکوس گرفتن، منطقی و خردمندانه نیست.»

گزارش دو

انتخابات آلمان با پیروزی جناح راست به پایان رسید

بازگشت محافظه‌کاران

که شامل وابستگی بیشتر به روسیه برای تأمین گازهای طبیعی، باز نگه داشتن مرزهای آلمان در سال ۲۰۱۵ و استقبال از میلیون‌ها پناهنجو از سوریه، افغانستان و کشورهای دیگر بود. حزب صدراعظم آلمان انتخابات پارلمانی را باخت و تنها حدود ۱۹ درصد از آرا را کسب کرد.

▼ زیر سایه ترامپ

دونالد ترامپ نتایج انتخابات آلمان را ستود و آن را روزی بزرگ برای آلمان و ایالات متحده آمریکا خواند. اما مرتس گفت که ائتلاف ۸۰ ساله اروپا با آمریکا می‌تواند به تاریخ سپرده شود زیرا او معتقد است که ترامپ در مواضع آشکاری نسبت به طرح‌هایش در قبال اروپا «بی‌تفاوت» بوده است. مرتس به نشانه انتقاد از ترامپ، تاکتیک‌های دولت وی را به‌ویژه به دنبال حمایت ایلان ماسک مشاور رئیس جمهوری آمریکا از راست افراطی در آلمان با مواضع مسکومرتبط دانست. وی گفت: «مشتاق هستم تا ببینم چگونه تا اجلاس ناتو در پایان ماه ژوئن پیش می‌رویم». آیا هم‌چنان از ناتو در قالب کنونی آن صحبت می‌کنیم یا به سرعت قابلیت دفاعی مستقل اروپا را پدید می‌آوریم. مرتس به‌عنوان پیروز این انتخابات اکنون باید دولت ائتلافی را تشکیل دهد اما احزاب اصلی در آلمان وعده دادند از ائتلاف با حزب آلترناتیو خودداری کنند.

صدراعظم جدید آلمان و پیروز انتخابات این کشور گفت که اولویت اصلی او تلاش برای اتحاد در اروپا به منظور مقابله با مداخله آمریکا با روسیه است. مرتس روز یکشنبه در مصاحبه با شبکه‌های آلمانی گفت که او هیچ شکی در مورد چالش‌های روابط با آمریکا ندارد. مرتس در میزگرد تلویزیونی که در عصر روز یکشنبه برگزار شد گفت: «مداخلاتی که از سوی واشنگتن دیدیم به‌اندازه مداخلاتی که از سوی مسکو دیده‌ایم، دراماتیک، شدید و در نهایت اهانت‌آمیز بوده‌اند.» او در ادامه گفت: «ما فشار گسترده‌ای از سوی دو طرف را داریم و اولویت برتر من ایجاد اتحاد در اروپاست.» مرتس تأکید می‌کند که او هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد که این حرف را در تلویزیون بزند اما پس از اظهارات دونالد ترامپ در هفته گذشته، واضح است که آمریکایی‌ها «دست‌کم آن دسته از آمریکایی‌هایی که در این دولت حضور دارند» به‌طور گسترده‌ای نسبت به سرنوشت اروپایی تفاوت‌اند.

نتایج مقدماتی انتخابات نشان داد حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان یا AFD به دومین حزب بزرگ آلمان تبدیل شده به این معنی که این حزب که زمانی به‌دلیل تندروی‌های خود در حاشیه قرار داشت حالا به یک نیروی سیاسی اصلی تبدیل شده است.

▼ پیروزی محافظه‌کاران، واکنش آلمان به ترامپ بود

ابراهیم رحیم‌پور، معاون پیشین وزیر امور خارجه در تحلیل تحولات اخیر آلمان به‌هم‌میهن گفت: «بعد از کنار رفتن انگلا مرکل از قدرت، دولتی که به آن اندازه دارای ثبات باشد روی کار نیامد. بالاخره این کشور طی سال‌های گذشته با فراز و نشیب‌هایی در خصوص موضوعات اقتصادی، داخلی و بحث پناهیوان مواجه بود. از لحاظ خار جی، قصه جنگ اوکراین در اروپا بیشترین تأثیر را بر آلمان گذاشت؛ چه بخواهیم این موضوع را از زاویه سوخت‌رسانی و



یاسمن طاهریان، محسن صالحی‌خواه/گزارشگران هم‌میهن: محافظه‌کاران در انتخابات سراسری آلمان به پیروزی رسیدند. انتخابات زودهنگام آلمان، به‌دنبال کناره‌گیری کریستین لیندر وزیر دارایی از حزب دموکرات آزاد و فروپاشی ائتلاف سه‌گانه دولت اولا ف شولتز صدراعظم سابق این کشور و صدور دستور انحلال پارلمان از سوی رئیس جمهور روز ۵ اسفند (۲۳ فوریه) برگزار شد. ائتلاف محافظه‌کاران مسیحی به رهبری فردریش مرتس (رهبر حزب دموکرات مسیحی) ۲۰۸ کرسی را به خود اختصاص داد و جایگاه نخست را به دست آورد. حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان ۱۵۲ کرسی گرفت و به دومین جریان قدرتمند در پارلمان تبدیل شد. حزب سوسیال دموکرات آلمان به رهبری اولا ف شولتز نیز بدترین نتیجه انتخاباتی سال‌های اخیر را رقم زد و ۸۶ کرسی را از دست داد. این حزب در انتخابات پیشین ۲۰۶ کرسی داشت که به ۱۲۰ کرسی کاهش پیدا کرد. بوندستاگ (پارلمان آلمان) ۶۳۰ کرسی دارد که ۳۱۶ کرسی برای اکثریت نیاز است. بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده، ۸۳ درصد مردم آلمان در این انتخابات شرکت کردند که بالاترین میزان مشارکت در انتخابات سراسری از زمان اتحاد دو آلمان (۱۹۹۰) محسوب می‌شود. ائتلاف چپ‌گرای اولا ف شولتز شامل احزاب سوسیال دموکرات (حزب شولتزر)، سبزها و لیبرال دموکرات بود که به دنبال اختلافات عمیق راجع به سیاست‌های مالی، مهاجرتی و کاهش اعتماد عمومی فروپاشید. طبق قانون آلمان، صدور دستور انحلال در اختیار رئیس جمهور است.

▼ قدرت گرفتن راست افراطی

حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان، ۸۳ کرسی خود در انتخابات سراسری ۲۰۲۱ را به ۱۵۲ کرسی تبدیل کرد. این حزب به سیاست‌های ضد‌مهاجرتی و ملی‌گرایی شهرت دارد. ضد‌پناهجویان و ضد اتحادیه اروپاست و به‌گواه رسانه‌های آلمانی، با نتیجه‌ای که در این انتخابات به دست آورد یک رکورد سیاسی را شکست. ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی و شخص نزدیک به دونالد ترامپ ماه گذشته به طور علنی از این حزب حمایت کرد. جی.دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا نیز در جریان سفر خود به آلمان برای شرکت در کنفرانس امنیت مونیخ، تنها با رهبر این حزب دیدار کرد که در آلمان بسیار واکنش برانگیز شد. ناظران بر این باورند که افزایش میزان جرم و جنایت از سوی پناهجویان، تضعیف اقتصاد آلمان به دنبال وقوع جنگ در اوکراین و جنگ تعریف‌های ترامپ از جمله دلایل اقبال بیشتر به راست افراطی در این انتخابات بود.

▼ صدراعظم جدید روی کار می‌آید

فردریش مرتس ۶۹ ساله تاجری است که هوایی‌مای خصوصی خود را خلبانی می‌کند و مدت‌هاست که به‌عنوان گزینه‌ای محبوب برای صدراعظمی آلمان در نظر گرفته شده. او یک محافظه‌کار سنتی است که تاکنون نقشی در دولت نداشته و قرار است بزرگترین اقتصاد پرجمعیت‌ترین کشور اروپا را هدایت کند. مرتس در اوایل سال‌های ۲۰۰۰ در چالش کسب قدرت برای رهبری حزب دموکرات‌های مسیحی به انگلا مرکل شکست خورد که ۱۶ سال صدراعظم آلمان باقی ماند. رای‌دهندگان از میراث مرکل راضی نبودند